

جستاری در خصوص فاهمه‌ی بشری

جان لاک

ترجمه‌ی کاوه لاجوردی



John Locke,
An Essay concerning Human Understanding

(1st ed. 1690; 4th ed. 1700),

edited by
Peter H. Nidditch,
Oxford University Press, 1975.

جستار در خصوص فاهمه‌ی بشری


جان لاک

ترجمه کاوه لاجوردی

طرح جلد، صفحات عنوان و طبع: فریبا معزی
چاپ اول ۱۳۹۹، شماره‌ی نشر ۱۳۴۰ - ۸ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۱-۳-۴۶۱-۸

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هنر - به، خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸
تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۱۹۰۱۱۶۹

Email: info@nashr-e-markaz.com

 [nashremarkaz](http://nashremarkaz.com)

همه‌ی حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است.
تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه، از جمله فتوکپی، الکترونیکی،
ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



- سرشناسه لاک، جان، ۱۶۳۲-۱۷۰۴ م. Locke, John. عنوان و نام پدیدآور جستاری در خصوص فاهمه‌ی بشری / جان لاک؛ ترجمه‌ی کاوه لاجوردی
- مشخصات ظاهری بیست‌وهشت، ۶۸۴ ص. مصور • یاده‌داشت عنوان اصلی: An Essay concerning Human Understanding — تلخیص کتاب حاضر نخستین بار با عنوان «تحقیق در فهم بشر» با ترجمه‌ی رضازاده شفق توسط دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ در سال ۱۳۳۹ منتشر شده است. — واژه‌نامه — نمایه. عنوان دیگر: جستاری در فهم بشر • موضوع شناخت (فلسفه) • شناسه‌ی افزوده لاجوردی، کاوه، ۱۳۵۰ — مترجم • رده‌بندی کنگره BD ۱۶۸ • رده‌بندی دیویی ۱۲۱
- شماره‌ی کتابشناسی ملی ۶۱۶۷۲۷۳

فهرست

یادداشت مترجم	هفت
واژه‌نامه	بیست و یک
جستاری در خصوص فاهمه‌ی بشری	
رقعه‌ی تقدیمی	۳
رقعه به خواننده	۶
فهرست	۱۵
فهرست همراه با خلاصه‌های قسمت‌ها	۱۷
کتاب یک	۴۳
کتاب دو	۹۹
کتاب سه	۳۶۳
کتاب چهار	۴۷۱
توضیحات مترجم	۶۴۵
نمایه	۶۶۳

یادداشت مترجم

راسل در تاریخ فلسفه غربی‌اش می‌گوید که لاک پرنفوذترین همه‌ی فیلسوفان دوران مدرن است.^۱ از همان زمان شروع انتشار آثار لاک در ۱۷۰۴ می‌نهم قرن هفدهم، نظریات‌اش — هم در معرفت‌شناسی و فلسفه‌ی ذهن و هم در فلسفه‌ی سیاسی — رضای قوی‌ترین فیلسوفان و مقبول‌کنیری از سیاستمداران اروپای غربی و امریکای شمالی بوده است. نفوذ لاک در عالم سیاست اروپا و امریکا نتیجه‌ای از کتاب‌های او درباره‌ی دولت و درباره‌ی رواداری بوده است. شاهدی بر عمق و دامنه‌ی نفوذ لاک این است که بسیاری از چیزهایی که امروزه در مورد حکومت و حقیقت افراد جزو بدیهیات می‌انگاریم، نخستین بیان جدی یا نظام‌مندشان در آثار لاک بوده و وقتی او بیان‌شان می‌کرد، بلکه انقلابی بوده‌اند (و لاک هم بدون امضا و به‌طور ناشناس منتشرشان کرده است). در جنبه‌های اصطلاحاً نظری تر فلسفه، این نفوذ مدیون جستاری در خصوص فاهمه‌ی بشری است، که ترجمه‌اش بعد از این یادداشت می‌آید.

جان لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲) متولد و متوفای انگلستان است، ریشه‌اش از ریزوی انقلاب ۱۶۸۸ چند سالی به هلند هجرت کرده بود تا از آسیب‌های ناشی از مواضع سیاسی‌اش یا نزدیکی‌اش به برخی سیاستمداران مغضوب در امان بماند. با علم تجربی زمانه‌اش آشنایی جدی داشته است و دستی هم در پزشکی داشته، و شخصاً دوست نیوتن و مدتی دستیار رابرت بویل بوده. بر خلاف دو تجربه‌گرای بزرگ دیگر یعنی جرج راک (۱۷۵۳-۱۶۸۵) و دیوید هیوم (۱۷۷۶-۱۷۱۱) که اولین آثارشان در سنت تجربه‌گرایی را در ایام جوانی منتشر کردند، لاک جستار را در حوالی شصت‌سالگی منتشر کرد. اما اینها حکایت لاک است، و این مترجم قصد ندارد بیش از همین دو پاراگراف به این بخش حکایت بپردازد؛ برای واردشدن در دنیای حکمت لاک، می‌شود آثار خود لاک را

1. Bertrand Russell, *History of Western Philosophy and its Connection with Political and Social Circumstances from the Earliest Times to the Present Day*, George Allen and Unwin, 1946; p. 624.

چهار صفحه بعد از این، در اولین فصل از سه فصل متوالی‌ای که راسل مستقیماً درباره‌ی لاک بحث می‌کند (و فقط درباره‌ی افلاطون است که پیش از این بحث می‌کند)، او را نیک‌بخت‌ترین همه‌ی فیلسوفان می‌داند. برای ترجمه‌ی فارسی نگاه کنید به برتراند راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه‌ی نجف دریابندری، کتاب پرواز، ۱۳۷۳، صص. ۸۲۷ و ۸۲۳.

خواند.^۱ در آنچه در ادامه‌ی این یادداشت می‌آید، درباره‌ی جنبه‌های صوری و زبانی جستار و درباره‌ی شیوه‌ام در ترجمه‌اش توضیح می‌دهم.

۱. جستار: تاریخچه و چاپ استانداردش.

برای اشاراتی در مورد تاریخچه و نحوه‌ی تألیف جستار می‌شود نگاه کرد به توضیحات خود لاک در "رقعه به خواننده" که پس از تقدیم‌نامه و پیش از کتاب یک آمده است. ویراست اول جستار در دسامبر ۱۶۸۹ منتشر شده، گرچه تاریخ صفحه‌ی عنوان‌اش ۱۶۹۰ است. مثل همه‌ی چاپ‌های کامل بعدی منتشرشده در زمان حیات لاک، قطع آن رحا است (که یعنی ابعادش بزرگ‌تر از قطع وزیر است)، و هر صفحه‌اش تا ۵۴ سطر دارد. در ویراست دوم (۱۶۹۴)، فصل فعلی ۲۷ به کتاب دو اضافه شده و تغییرات گسترده‌ای در فصل ۲۱ از کتاب دو اعمال شده؛^۲ نمایه و خلاصه‌های حاشیه‌ی صفحه‌ها نیز از افزوده‌های ویراست دوم است. آخرین چاپ منتشرشده بر نظر لاک ویراست چهارم است (۱۷۰۰)،^۳ گرچه ملاحظاتی نیز برای ویراست پنجم (۱۷۰۶) داشته است. مهم‌ترین تغییری که از آن می‌بینیم زیرنویسی بسیار طولانی است که در کتاب دو فصل ۲۸ قسمت ۱۱ می‌آید. متن خاصه‌ی اجازت‌نامه‌ی جستار با اجازت لاک در ۱۶۹۶ منتشر شد. در سال ۱۷۰۰ ترجمه‌ی فرانسوی و سال بعد از آن ترجمه‌ی آلمانی آن منتشر شد، هر دو با اشراف و اجازت خود لاک. شاید از حیث تعدد و تنوع بازچاپ، تنها رقیب فلسفی جستار تا این قرن هجدهم کاوش‌های هیوم باشد.

تأثیر جستار بر تجربه‌گرایی البته که آشکار شده است، چنانکه از جمله از آثار بارکلی و هیوم می‌توان دریافت. آنچه شاید جزو معلومات عمومی فلسفه نباشد این است که لایب‌نیس سالند در ۱۷۰۴ نگارش کتابی چندصفا را تمام کرد که جوابیه‌ای است به فصل اول جستار. لاک در همان سال درگذشت، و لایب‌نیس کتاب‌اش را منتشر نکرد (ظاهراً به این سبب که او به‌لحاظ فضا داشته جوابیه‌اش را منتشر کند تا لاک را مجبور به پاسخگویی علنی کند، و خیلی محتمل نبوده که لاک بعد از مرگ جواب بدهد)، و این اثر برای اولین بار ده‌ها سال بعد از مرگ هر دو فیلسوف منتشر شد.^۳ این جوابیه گرچه شاید مهم‌ترین آثار لایب‌نیس نباشد، صرف وجود و مفضل بودن‌اش شاید نشان بدهد که در نظر لایب‌نیس نه تنها در حوصله (که سنتاً همراه با دکارت و اسپینوزا بزرگ‌ترین خردگرایان محسوب می‌شود و فقط یک نوشته‌ی فاضلی مفضل دیگر دارد)، متن لاک متنی است بسیار مهم.

در جستار با متنی مواجه هستیم که بارها زیر نظر خود نویسنده چاپ شده است — بسنجید با آثار ارسطو و ابن‌سینا که انتشار اولیه‌شان پیش از رواج چاپ بوده است. با این حال، به دلیل‌هایی که در حوصله‌ی این

۱. تعبیر حکمت / حکایت از عزت‌الله فولادوند است، در مقدمه‌اش بر ترجمه‌اش از اشتفان کورنر، فلسفه کانت، خوارزمی، ۱۳۶۷ ص. ۱.

۲. طبق تخمین‌های ویراستار متن استاندارد جستار، تیراژ این چهار چاپ در مجموع حدود ۳,۲۰۰ بوده است.

۳. *Nouveaux Essais sur l'entendement humain* (1765).

ترجمه‌ی متأخر انگلیسی:

New Essays on Human Understanding, edited and translated by Peter Remnant and Jonathan Bennett, Cambridge University Press, 1996.

یادداشت نیست (حتی اگر بخشی از آنها در سواد این مترجم بگنجد)، تهیه‌ی متنی منقح از جستار کاری است کاملاً غیربدهی، و سختکوشی بسیار و تخصص ویژه‌ای می‌طلبد. نسخه‌ی استاندارد امروزی — و نسخه‌ی پایه‌ی این ترجمه‌ی فارسی — این است:

John Locke, *An Essay concerning Human Understanding*, edited by Peter H. Nidditch, Oxford University Press, 1975. xxvi + 748 pp.

تا جایی که به خود جستار مربوط می‌شود، این نسخه‌ی استاندارد اساساً بازچاپ یک کار دیگر نیدیچ است که، اضافه بر متن جستار، حاوی توضیحات مفصل درباره‌ی تاریخچه‌ی انتشار جستار و ضمائم در توضیح واژه‌ها و ترجمه‌ی عبارات غیرانگلیسی نیز هست:

Peter H. Nidditch, ed., *The Clarendon Edition of The Works of John Locke: An Essay concerning Human Understanding*, Oxford University Press, 1975. liv + 867 pp.

در ترجمه‌ی فارسی شماره‌ی صفحه‌های این نسخه‌ی استاندارد در حاشیه‌ی صفحه‌ها می‌آید. این روایی است که در هر ترجمه‌ی معاصر آکادمیک جستار اعمال می‌شود — به این ترتیب، این شماره‌ها متناظرند با شماره‌هایی که در هر ترجمه‌ی معاصر جدی در فلسفی افلاطون [شماره‌های استفانوس] و ارسطو [پکرا] و کانت [AK] می‌بینیم.^۱ به سبب تفاوت نوع جمله‌های فارسی و انگلیسی، طبیعتاً انتظار مشخص کردن دقیق جایی که وارد صفحه‌ی جدید می‌شویم انتظاری است نابجا اگر که جمله در صفحه‌ی واحدی شروع و تمام نشده باشد؛ روای ترجمه‌ی فارسی این است که شماره‌ی جدید در اولین جایی اعلام می‌شود که هیچ کلمه‌ای از صفحه‌ی قبلی باقی نمانده باشد، و طبیعتاً اگر مایل‌ایم جمله‌ی متنی اصلی را بیابیم گاهی لازم می‌شود که به یکی — دو سطر در بالا و پایین‌اش نیز نگاه کنیم — اما، در هر صورت، خطاهای این شماره‌ها روی هم جمع نمی‌شوند و میزانِ خطا در صفحه‌ی 411 بیشتر از صفحه‌ی 95 نیست.

۲. بعضی ویژگی‌های صورتی متن.

۲.۱. وفورِ حروفِ ایتالیک. لاک، شاید همخوان با روایی غالب در پایان قرن هفدهم، استفاده از حروفِ ایتالیک بسیار دست‌ودلبازانه عمل می‌کند — در نگاهِ امروزی ما، این حجم استفاده از حروفِ ایتالیک شاید حتی افراطی تلقی بشود. آن‌طور که من فهمیده‌ام، آنچه به‌طورِ نظام‌مند در متن جستار با حروفِ ایتالیک آمده اینها است:

— واژه‌ی *Idea* (همواره با آی بزرگ).

۱. پس مثلاً وقتی در ترجمه‌ی علیرماد داودی از درباره‌ی نفس (چاپ پنجم، انتشارات حکمت، ۱۳۸۹) می‌خوانیم "کشتی بنفشه حرکت می‌کند، و ملاحظان به سبب اینکه در کشتی متحرک جای دارند"، با نگاه به حاشیه‌ی صفحه درمی‌یابیم که شماره‌ی صفحه‌ی بکر این قطعه از کتاب ارسطو "406 است. به کمک این شماره، قطعه را می‌توانیم در هر ترجمه و هر چاپ جدی یک قرن اخیر ارسطو بیابیم.

- نام‌های خاص، مثلاً *Newton, St. Peter Aristotle*.
- سرصفحه‌ها و عنوان فصل‌ها، مثلاً عنوان فصل سوم از کتاب اول: *No innate practical Principles*.
- برای اشاره به خود لفظ، و نه مفهوم لفظ (کاری که امروزه با علامت‌های نقل قول هم انجام می‌دهیم).
- متن خلاصه‌های قسمت‌ها (که در حاشیه‌ی صفحه‌ها می‌آیند).
- عبارات لاتین که در جملات انگلیسی می‌آیند، مثلاً *etc.* به معنای و غیره، *ad infinitum* به معنای
الی غیر النهایه.
- نقل اقوال.

استه ۵۵ از حروف ایتالیکی در متن لاک منحصر به اینها نیست. لاک البته مثل امروز از این حروف برای تأکید هم استفاده می‌کند، و خیلی هم زیاد؛ اما مواردی هست — و بسیار پر تعداد — که من نکته‌ی ایتالیکی‌بودن عبارت را نمی‌فهمم. خوشبختانه، برای مقاصد عملی ترجمه (ولی شاید نه برای مقاصد آکادمیک لاک‌شناسانه و لغت‌آمیز) مطالعه در زبان انگلیسی قرن هفدهم مهم نیست که مترجم دلیل یا علت همه‌ی ایتالیکی‌سازی‌ها را بفهمد. من، مترجم باید همه را عیناً در ترجمه‌اش منعکس کند. در این ترجمه این کار انجام شده است و همه‌ی عبارات ایتالیکی متن اصلی متناظر شده‌اند با عبارت‌های ایرانیکی در ترجمه‌ی فارسی. دیگر اینکه لاک، سخنانش را روالی که امروز هم در مورد ایتالیکی‌سازی جاری است، وقتی می‌خواهد عبارتی را ایتالیکی کند که از من می‌آید که خود آن متن هم ایتالیکی است، به جای ایتالیکی از حروف عادی استفاده می‌کند. مثلاً اصل بر این است که واژه‌ی *Idea* ایتالیکی باشد؛ اما وقتی این واژه در عنوان فصل می‌آید، چون روال لاک این است که عنوان‌ها سراسر ایتالیکی باشند، این واژه‌ی خاص دیگر ایتالیکی نیست — برای نمونه، عنوان فصل هفتم از کتاب دوم این است:

Of simple Ideas of both Sensation and Reflection.

۲.۲. سجاوندی. نحوه‌ی کاربرد نشانه‌های نقطه‌گذاری در جستار منی است و با روال امروزی تفاوت دارد. به نظر می‌رسد که در قرن هفدهم هنوز استفاده از این نشانه‌ها شکل پخته‌ای نداشته است و گاه شاید بیشتر نشان‌دهنده‌ی نفس‌نازکردن نویسنده باشد تا منعکس‌کننده‌ی ساختار منطقی جمله. به نظر این، در ویراست‌های مختلف جستار کاربردهای جزئی نشانه‌های سجاوندی تغییراتی کرده‌اند که ظاهراً تا حدی نشانه‌ی گرایش‌های

۱. در متن‌های فلسفی امروزی انگلیسی، گاه می‌بینیم که حرفی از کلمه (نووعاً حرف پایانی) به لحاظ ایتالیکی بودن با ایتالیکی‌نبودن با بقیه‌ی حروف‌اش متفاوت است. لاک اگر در زمان ما بود شاید شکل جمعی واژه‌ی *prae-sensibilis* را به صورت *'Ideas'* می‌نوشت (با کای غیر ایتالیکی)، اما من در متن‌های زمان لاک چنین چیزی ندیده‌ام (مورد *'justa-position'* را در ک ۳۴۳ ف ۳ صفحه‌ی 539 می‌بینیم، اما این فی الواقع نزد لاک واژه‌ی مرکب است). شاید در فارسی می‌شد به این فکر کرد که به جای 'ایده‌ها' بنویسیم 'ایده‌ها' و نشانه‌ی جمع را ایرانیکی نکنیم. این کار را نکرده‌ام، چرا که به نظر مدرن‌تر از لاک است. اما در جایی که حرف تعریف غیر ایتالیکی یا نشانه‌ای غیر ایتالیکی برای نکره واژه‌ی ایتالیکی را همراهی می‌کند، من یک نشانه‌ی غیر ایرانیکی سی به واژه‌ی ایرانیکی افزوده‌ام. این روال، به سبب مشکلات فنی در جایی که حرف پایانی واژه قابلیت اتصال به حرف بعدی را داشته باشد، باعث کشیدگی غیر طبیعی واژه در فارسی می‌شود — مثلاً در ک ۳۴۳ ف ۱۲ صفحه‌ی 545 این‌طور آمده: 'ایده‌ی هیچ رنگ یا طعم یا صوتی را تولید نکند'.

حروفچینان بوده است. (آنچه در این ترجمه آمده — با ملاحظه‌ی موارد ویرگول و پرانتز که در ادامه توضیح خواهم داد — بر اساسی شکلِ مختارِ نیدیج است که اساساً مبتنی بر ویراستِ چهارمِ جستار است.)
 کاربردِ دو نقطه برای خواننده‌ی امروزی توضیحی لازم دارد. این نشانه در متنِ لاک البته کاربردِ شبیهِ امروز نیز دارد؛ اما کاربردهای دیگری هم دارد که ناآشنایی با آنها شاید گیج‌مان کند. این را (از ک ۴ ف ۱۷ صفحه ۱، 668) ملاحظه کنید:

The Word Reason in the English Language has different Significations: sometimes it is taken for true, and clear Principles: Sometimes for clear, and fair deductions from those Principles: and sometimes for the Cause, and particularly the final Cause.

این قطعه البته — همانا ایتالیک‌سازی و کاربردِ واژه‌های مبتدا به حرفِ بزرگ هم جالب توجه است؛ اما مراد من از نقل‌اش توجه دادن به کاربردِ دو نقطه است. اولین دو نقطه برای خواننده‌ی امروزی این انتظار را ایجاد می‌کند و به آن پاسخ می‌دهد که رار است چند تا از معنی‌های واژه‌ی 'reason' را ببینیم؛ اما آنچه بعد از دو نقطه‌های دوم و سوم — آنجا که دو نقطه در ح می‌دهد به فرار است، فرستی ذکر شود یا دلیلی برای مدعای ذکر شده اقامه شود، در لاک گاه خبر از این می‌دهد که نویسنده دارد چیزی به آنچه گفته اضافه می‌کند — مثلاً شقِ دیگری گاهی صرفاً برای بیان این است که نویسنده دارد چیزی به آنچه گفته اضافه می‌کند — این بار ترجمه‌ی فارسی را نقل دید. اجازه بدهید که، چون موضوع مهم است، نمونه‌ی دیگری ذکر کنم — این بار ترجمه‌ی فارسی را نقل می‌کنم از ک ۳ ف ۱۰ صفحه ۲۴، 505:

این گاهی عیبی در خود زبان است که هنوز کلمه‌ای ندارد که در چنین معنی‌ای به کار بسته شده باشد؛ و گاهی عیب کسی است که هنوز نام آن ایده‌ای را نیاموخته است. مایه است به دیگری نشان بدهد.

ملاحظه می‌کنید که آنچه بعد از دو نقطه آمده نه در توضیح جمله‌ی قبل از دو نقطه است که در زبان شقی دیگر است. علامتِ تعجب و علامت‌های نقلِ قول و خطِ تیره‌ی بلند (نظیر آنی که به زودی در فصل بعد از این جملگی فارسی خواهید دید) و کروشه — اینها در متنِ لاک به تعدادِ بسیار اندکی به کار رفته‌اند. در متنی که تا اینجا می‌بینید، نوعاً نشانه‌های نقطه‌گذاری را ایتالیک نمی‌کنند، مگر در موردِ علامتِ سؤال در جایی که آنچه ایتالیک شده است خود جمله‌ای سؤال‌ی باشد.

۱. ارجاع را این طور بخوانید: کتاب ۴، فصل ۱۷، قسمت ۱، شماره‌ی فصل‌ها و کتاب‌ها در متنِ لاک با ارقام رومی نوشته شده است (مثلاً ۱۷ برای ۴، xvii برای ۱۷). این شماره‌ها، وقتی که از هفت و هشت بگذرند، شاید برای همه‌ی خوانندگان فارسی‌زبان آشنا نباشند، و بنابراین تصمیم بر این شد که با ارقام اصطلاحاً عربی بنویسیم‌شان. در ترجمه‌ی معاصر فرانسوی نیز شماره‌ی فصل‌ها به شیوه‌ی رومی نیامده. کوچک‌ترین واحد شماره‌دار متنِ لاک قسمت [section] است که علامت‌اش § است، مبتنی بر حرفِ S. برای این ترجمه‌ی فارسی نشانه‌ی § طراحی شده که مبتنی است بر حرفِ ق.